

چکیده

کلان شهرها از دیر باز بحران و مسئله تلقی می شده اند. پندرامنی حاکم بر رویکردهای اداره کلان شهرها که چالش اصلی را صرفاً ابعاد توسعه فضایی می دانست، برایندی جز هجوم انواع گوناگون آسیب‌ها بر محیط طبیعی و روال تدریجی ظرفیت حامل زیست محیطی منطقه پیرامونی کلان شهر نداشته است. می توان گفت نبود شناخت عمیق از ابعاد متفاوت کلان شهرها و نیز کاستی در به کار گیری ابزارهای پشتیبان شناخت یکی از نارسایی های مدیریت این گونه مناطق بوده است. در این نوشتار تلاش گردیده است تا ضمن شناخت تحلیلی ماهیت گسترش فضایی کلان شهرها با استفاده از یکی از نظام های پشتیبان تصمیم سازی به نام رویکرد تحلیل مناسبت محیطی بتوان از مدیریت کلان شهری در زمینه مواجهه با پدیده گسترش فضایی پشتیبانی به عمل آورد. در این نوشتار کلان شهر تهران و منطقه جنوبی آن به عنوان منطقه کاربرست مطرح گردیده و در مسیری عملی برای توسعه تحلیل مناسبت محیطی شده است [۱] .

کلیدواژه‌ها: گسترش فضایی، کلان شهر، نظام های پشتیبان تصمیم سازی، رویکرد تحلیل مناسبت محیط.

رویکرد تحلیل مناسبت محیطی در مدیریت گسترش فضایی کلان شهرها

نمونه شهر تهران

محمد رضا منیر
کارشناس ارشد در راه ریزی شهری و منطقه ای
E-mail: URPlanner_mh@yahoo.com

۱- عقلانیت پژوهش

۱-۱- طرح مسئله و پرسش‌های پژوهشی

کلان‌شهرها مانند همه پدیده‌های هستی متناسب با ماهیت و چیستی‌شان در مواجهه با فرایندها، روندها و سایر چیزها، رفتارها، و واکنش‌هایی مختص به خود را بروز می‌دهند. بازتاب‌های متفاوت ناشی از واکنش‌های تبعی، رویکردهای مواجهه ویژه خود را در ساختاری هوشمند و عقلایی می‌طلبد.

در واقع منطق برخورد از راهبردهای مواجهه برخاسته است که این نیز خود مبتنی بر شناختی عمیق از محیط خواهد بود. این منطق جایگاه ویژه‌ای را در رهیافت‌های جدید مدیریت کلان‌شهری - بهخصوص در رویکرد راهبردی - احراز کرده است. در این چارچوب، ساختارها می‌بایست برای مواجهه با روندها، نامعلومی‌ها، تغییرات و رفتارهای نو، انعطاف پیشتری از خود نشان دهند، چراکه در مواجهه با پیچیدگی فزاینده ساختارهای تشکیل دهنده این نوع مناطق، مکانیسم‌های با مختصات ثابت و خطی (به تجربه) با چالش‌های نگران کننده‌ای روبه‌رو شده‌اند که بازتابی جز وجود و فور مشکلات متفاوت نداشته‌اند.

پنداشته می‌شود ساختارهای کنونی مدیریت کلان‌شهری کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) و رویکردهای حاکم بر آن بر مبنای شناخت عمیق از کلان‌شهر نبوده و نتایج آنها نیز مبتنی بر همان شناخت ناکافی بوده است.

در رویکردهای جدید مدیریت کلان‌شهری - با توجه به ماهیت پویا و پیچیده‌شان شناسایی مسائل راهبردی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و پیش‌نیازها برای کارآمدی فرایند تصمیم‌گیری است.

در این چارچوب چگونگی تداوم رشد و توسعه فضایی یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های راهبردی مناطق کلان‌شهری به شمار می‌آید. کلان‌شهرها همگام با رشد فن‌شناسی و پدیده‌های مرتبط سالیانی است با سلطه روندهای فزاینده‌ای از توسعه‌های کالبدی متفاوت و نو مواجه بوده‌اند.

نکته در خور تفکر و تأمل این است که، آنچه سطوح تصمیم‌گیری برآن تأکید ورزیده زمینه‌های مشکل‌زای رشد کلان‌شهری بوده است. در واقع کلان‌شهرها به رشد و نموشان تداوم بخشیده‌اند و باوجود این، ساختارهای مدیریت کلان‌شهری تا دهه‌های اخیر صرفاً با نگرشی بدینانه برمهار رشد آنها اهتمام ورزیده‌اند. غفلتی که در این میان بر رویکردهای مدیریت سایه افکنده بود این بود که فهرست بلند بالای مشکلات مناطق کلان‌شهری را معلوم توسعه و ابعاد کمی آن می‌پنداشتند و به کاستی‌های مرتبط با فرایندها و ابزارهای مدیریت و برنامه‌ریزی مناطق کلان‌شهری بی‌توجهی سیار می‌کردند.

پیامد این نوع نگرش به سبب ماهیت و ذات بازدارنده‌اش، بحران‌ها و مسائلی بوده است که از آن میان مسائل زیستمحیطی و زوال تدریجی ظرفیت حامل محیطی هاله‌های پیرامونی کلان‌شهرها (مناطق پشتیبان)، چالشی ساختاری را در پایداری کلان‌شهرها به وجود آورده است.

آسیب‌شناسی مدیریت کلان‌شهری به خوبی نشان می‌دهد که در مواجهه با ساختار پیچیده کلان‌شهری، ساختارهای حاکم سعی در شناخت عمیق و البته کافی از مختصات و ماهیت خاص اینگونه مناطق نداشته‌اند و به طور طبیعی عقلانیت مواجهه‌شان نیز بر بنایی پرازابهام و نامعلومی استوار بوده است. به عبارت و معنایی شفاف‌تر، گناه عمدۀ فقدان نظام‌های پشتیبان تصمیم‌سازی بوده است که منبعث از آن مدیریت و تصمیمات تبعی آن، در فضایی نامطمئن اعمال و اتخاذ شده است. به همین دلیل این نوع مناطق در مواجهه با فرایند توسعه فضایی کلان‌شهرها (به عنوان یکی از مسائل مهم مدیریت کلان‌شهری) با رویکردی بازدارنده و نیز برایه شناختی سطحی، در فضایی ناپایدار و مملو از مسائل، روزگار می‌گذراند. در مواجهه و تلاش برای رفع مسئله پرسش‌های اساسی زیر مطرح است:

- ماهیت گسترش فضایی کلان‌شهرها، روندهای مواجهه با آن چه بوده است؟

- چگونه‌می‌توان با پدیده ساختاری گسترش فضایی کلان‌شهرها مواجه شد؟

- نقش نظام‌های پشتیبان تصمیم‌سازی مبتنی بر رویکرد تحلیل مناسبت محیطی در این شرایط چیست؟

فرضیه اصلی در این نوشتار مبتنی بر ضرورت کاربرد نظام‌های پشتیبان تصمیم‌سازی و به ویژه نظام‌های مرتبط با ارزش‌های زیستمحیطی است. نظامی که توانایی توانمندسازی و تسهیل مدیریت گسترش فضایی کلان‌شهرها را داشته باشد. در این چارچوب، روش تحلیل مناسبت محیطی ابزاری دارای اعتبار نظری و کارایی عملی است و این امکان را می‌دهد تا پیامدهای منفی زیست محیطی ناشی از توسعه و هزینه‌های عمومی تابویه را کاهش داده و در مواجهه با تحولات سریع، توانایی هدایت عقلایی و پایدار توسعه کالبدی را به ارمغان آورد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت رویکرد

ضرورت ماهوی:

فضای کلان شهرها در دهه های اخیر تحت تأثیر شدید نیروهای بیرونی در تمامی زمینه ها بوده است. برایند این شرایط، توسعه برون زاد بسیاری از کلان شهرها و پیامدهای تبعی این نوع توسعه است. لذا رویکرد تحلیل مناسبت محیطی، به دلیل تأکید ویژه بر شرایط بوم شناختی به عنوان بکی از شرایط تحقق توسعه درون زامی تواند به عنوان روش هدایت توسعه در دستور کار قرار گیرد.

ضرورت زیست محیطی:

کلان شهرها با حجم عظیم فعالیت های اقتصادی و انسانی، حوزه عمل بسیار وسیعی در منطقه پیرامونی شان دارند. رشد و گسترش فضایی کلان شهر با توجه به توانی که دارد، امری محتمل و احتماب ناپذیر است. بدین ترتیب پیش فضایی، پیامدهای زیست محیطی را در ابعادی منفی به همراه خواهد داشت و این رخداد شرایط تحقق توسعه پایدار شهری را مخدوش می کند. بنابراین تأکید و کاربرد ملاحظات زیست محیطی در قالب رویکرد تحلیل مناسبت محیطی در برنامه های مدیریتی هدایت پایدار گسترش فضایی، اهمیت و ضرورتی انکار ناپذیر دارد.

ضرورت اقتصادی - اجتماعی:

کلان شهر در سطح ملی و منطقه بالاترین توان و جذبه اقتصادی و اجتماعی را دارد. در اقع ارزش افزوده ناشی از تمرکز کانون های عمده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فعالیتی در این شهر بسیار بالاست. رویکرد مناسبت محیطی در این عرصه می تواند، از سویی پیامدهای منفی گسترش فضایی در شهر را کاهش دهد و از سویی دیگر به تداوم ایقای نقش فرماندهی آن در شبکه شهری ملی اهتمام ورzed.

ضرورت فضایی:

فرایند گسترش فضایی در کلان شهر با ماهیتی متفاوت رخ می دهد. بدین ترتیب به سبب سازو کارهایی خاص، فضاهای پیرامونی دچار تنواع، اختشاش و ادغام ناسامان فضایی می شوند که به شدت فضای زیست محیطی و به ویژه انسانی را تحت فشار منفی قرار می دهد. بنابراین، رویکرد تحلیل مناسبت محیطی می تواند فضاهای پیرامونی را به شکلی بهینه ساماندهی کند و شرایط تحقق توسعه پایدار را فراهم آورد. از سویی دیگر در هدایت گسترش فضایی به سمت و سوی بهینه، مقوله نیاز به فضا و مناسبت فضا بسیار مهم است و در این میان تحلیل مناسبت محیطی توانایی ارائه داده های ورودی را برای تدوین راهبردهای برنامه ریزی توسعه فضایی دارد.

۲. گسترش فضایی کلان شهرها

این پدیده به دلیل افزایش قیمت زمین و ساختمند در درون کلان شهرها و انتقال جمعیت و فعالیت به برون آن رخ می دهد و به تدریج به صورت ساختارهای ناموزون و گسیخته در پیهنه وسیع اطراف شهر ظاهر می شود، که خود منجر به جدا افتادگی محل کار و زندگی، افزایش فاصله ها، ازدیاد آمد و شده های شهری، تخریب و آسودگی روز افزون محیط زیست می گردد. در فرایند پدیده گسیختگی کالبدی که انفجرار کلان شهرها ایجاد می کند همواره پیویش پیوستگی نیز صورت می گیرد، به طوری که لکه های پراکنده در حاشیه کلان شهرها با پیوستن به یکدیگر، خود به سیستم به هم پیوسته کلان شهرها ملحق می گردد.

مجموعه شهری پیامده همزنمانی گسیختگی و پیوستگی فضایی است و در طی گذر زمان فضاهای خالی باقی مانده در حاشیه شهرهای بزرگ در نهایت مملو از فضاهای نامنضم کالبدی می شوند. سرانجام نوع ویژه گسترش فضایی شهرهای بزرگ که به عنوان انفجرار شهرهای بزرگ مطرح شد، ادغام انواع کاربردهای ناسازگار و پورش انواع فضاهای ناموزون و ناسازگار شهری در یکدیگر است (سعیدنیا، ۱۳۷۷).

عوامل مؤثر بر گسترش کلان شهرها به سه دسته عمده تقسیم می گردد که شامل عوامل شکلی و ساختاری، عوامل

مریوط به مکان گزینی فعالیت ها و عوامل محرك گسترش فضایی شهر است (نقش جهان - پارس، ۱۳۷۶، ج اول).

هر شهر بزرگ بسته به گستره کالبدی و میزان گسترش خود متشکل از دو قسم است: اول، محدوده قانونی و خدماتی شهر است؛ دوم، نواحی اطراف کلان شهرها که مانند طیفی محافظت، این شهرها را از سویی از هجوم و گزند گسترش ها و نیروهای

ناخواسته محرك گسترش فضائي در امان مي دارد و از سوي ديگر به عنوان جايگاهي برای گذران اوقات فراغت جمعيت ساكن در کلان شهر به حساب مي آيد. اين ناحيه تلقيفي از ويزنگي هاي روتاسي و هسته مرکزي است (باستие و دزر، ۱۳۷۷).

در واقع ناحيه مذكور در ابتدا محيطي روتاسي بوده است که با گسترش فضائي شهری تحت تأثير پرتوهاي کالبدی، اقتصادي و اجتماعی هسته هاي مرکزي، ويزنگي دوگانه نيمه شهری و نيمه روتاسي را در نهان خود دارد. پيامدهاي نيزوهای صادر شده از کلان شهرها از شبکه راه های اصلی منشعب از هسته مرکزي به ويزه خطوط شعاعي شبکه حمل و نقل نمود می باشد. اين نيزوها مشخصاً كاربردهای هستند که به دلایل فرایند رانش از هسته های مرکزی شهر را تحمل می کنند.

پيامدهای فضائي گسترش کلان شهرها در نواحی اطراف شان، همواره متأثر از خصوصيات محيطي و فضائي اين نواحی (هاله ها) بوده است؛ بدین معنی که در صورت مناسب و مساعدت شرایط محيطي وجود كاربردهایي با همچواري مناسب، اين نواحی پذيراي اقسام رجهتی در رده های بالای اجتماعی - اقتصادي، و به تبع آن فعالیت هایي درخور اين اقسام بوده اند. وجود وضعیت متضاد آنچه گفته شد در راه های، منجر به هجوم فعالیت های ناخواسته و ناسازگار با نواحی زیستی، که معمولاً مورد استفاده گروه های اجتماعی - اقتصادي پايان تر قرار می گيرند، خواهد شد. به طور کلي اين نواحی همواره به دليل پيشروي های مداوم فضائي کلان شهرها متحمل پيامدها و مشكلاتي در ساختار فضائي شان می شوند. اين مشكلات عبارتند از:

- مشكلات زیست محيطي. شامل تعییر بافت اراضي کشاورزی پيامونی به کاربردهای شهری، تخریب اراضي کشاورزی، اشغال اراضي در معرض خطر آلودگی های زیست محيطي و تخریب فضاهای سبز و باز.

- مشكلات طبیعی. مهم ترین مشکل طبیعی خارج شدن زمین ها از حیله فعالیت های کشاورزی است که ناشی از ارجحیت نداشتن بهره دهی بهینه اراضي کشاورزی است.

- مشكلات کالبدی عمده. مشكلات کالبدی به تکییک اراضي مربوط می شود. تفکیک اراضي در قطعات کوچک که با پیروزی نکردن از مقررات و قوانین همراه است. تقسیم بی رویه زمین باعث فزونی عرضه بر تقدما و باقی ماندن زمین های خالی و توسعه نیافته در لابه لای فضاهای ساخته شده در نواحی اطراف می شود.

- مشكلات اقتصادي. مشكلات اقتصادي ناشی از گسترش فضائي به هزینه های بالای خدمات عمومي در نواحی اطراف کلان شهرها مربوط می گردد که سبب مخدوش شدن میزان خدمات رسانی به مناطق مسکونی اين نواحی است و نهایتاً منجر به کاهش کیفیت زندگی می شود.

- مشكلات اجتماعي. مشكلات اجتماعي و مالکيت، ناشی از نداشتن قدرت خريد و نبود اطلاعات لازم در خريد زمین نزد گروه های پايان ناحيه اصلی تأكيد می ورزد: اين امر روند بورس بازی و احتکار زمین را در ناحيه تشديد می کند. به علاوه، استقرار گروه های با درآمد پايان تر در نواحی پيامون کلان شهرها دليلی بر تأمین نشدن خدمات رفاهی لازم است. هزینه بالای عوارض شهری لازم غالباً از توان مالي اين گروه های درآمدی خارج است.

۳- رویکرد تحلیل مناسبت محيطي

ماهیت گسترش فضائي کلان شهرها، بر ضرورت کاربرد روش های تحلیل مناسبت محيطي در فرایند هدایت گسترش فضائي را در سه زمینه اصلی تأكيد می ورزد:

اول- کاهش فشار های ناشی از هجوم گسترش فضائي بر بستر طبیعی و نواحی پيامون آن.

دوم- ايجاد شرایطی مناسب برای تحقق اهداف توسعه پيادار.

سوم- هدایت گسترش فضائي به مسیرها و نواحی دارای مناسبت محيطي.

۳-۱- سیر تفكير تحلیل مناسبت محيطي

به طور کلي در تحول مفهوم تحليل مناسبت محيطي چند مقطع را می توان مشاهده کرد:

الف- مقطع نخست: دوران اوليه تا قبل از انقلاب صنعتی که تحليل مناسبت محيطي با معيارهای اوليه گزینش مكان برای سکونت معايامي يافت. تحليل مناسبت محيطي ريشه در طول حیات بشری دارد. در گسترش سرزمین ها در طول تاريخ زندگی انسان برخی مکان ها ييش از تقاضات دیگر برای زیست مورد توجه قرار گرفته اند. انسان ها در جدالی پيوسته با طبیعت راز دستیابی به سکونتگاه های مناسب را کشف کرده اند. دسترسی به آب، ايمنی، مقابله بهتر با گرما و سرما و سهولت دستیابی به خوراک، معیارهای اولیه جوامع انسانی برای تحليل مناسبت مکان در آن زمان بوده است.

ب- مقطع دوم: از انقلاب صنعتی تا قبل از دوران پان مک هارگ [۲۰]، بحران زیست محیطی مفهوم تحلیل مناسبت را بیشتر به عنوان تدابیری برای کنترل استفاده از محیط زیست معرفی می کرد و به طور کلی با این مقوله برخوردي غیرسیستماتیک صورت می گرفت.

با آغاز پیشرفت های فناوری در جهان و شروع زندگی آمیخته با صنعت و رشد سرسام آور جمعیت و به دنبال آن گسترش شهرها، معیارهای تحلیل مناسبت رویکردی اقتصادی پیدا کرد. با دگرگونی نسبی دیدگاه تحلیل مناسبت مکان ها، به تدریج بحران های زیست محیطی هشدارگونه، دلیلی بر توجه به واکنش های محیطی و کنترل فعالیت های لجام گسیخته و آلینده انسان شد. بهترین و اولین واکنش، طرح کمربند سیز لندن [۲۱] و برنامه آمایش [۲۲] حاشیه شهر لندن به منظور محدود کردن گسترش فضایی شهر و هدایت بهینه محیطی گسترش بوده است.

ج- مقطع سوم: تکوین جدید تحلیل مناسبت محیطی، با ابداع روش روی هم گذاری [۲۳] امک هارگ و بعد با راهیابی روش های ریاضی و برنامه ریزی خطی تحلیل مناسبت تشخیص داده می شود. و با هویت یافتن جایگاه واکنش های زیست محیطی در برنامه ریزی مکانی به همت پان مک هارگ در اوایل دهه ۱۹۶۰ و با ابداع روش ترکیب و روی هم گذاری نقشه های ویژگی های محیطی، تحول بزرگی در مفهوم و فن تحلیل مناسبت پیدیدار شد. به دنبال این تحول، روش های کمی [۲۴] ادر تحلیل و ترکیب معیارهای محیطی مناسبت مکان راه یافت، که این خود سرعت تحول را شتاب بیشتری پخشید. همگام با تحول تفکر در برنامه ریزی های شهری، منطقه ای و محیطی، تحلیل های به مراتب سیستمی تر محیط در تفکر برنامه ریزی رواج یافت و به نام تحلیل مناسبت محیطی [۲۵] تغییر نام داد که خود گویای صریح اهمیت ویژه مسائل زیست محیطی در تعیین مناسبت و طبقه بندی مکان برای کاربردهای مشخص است.

د- مقطع چهارم: مکانیزه شدن روش های تحلیل مناسبت محیطی با طراحی نرم افزارهای کامپیوتری از جمله سیستم های اطلاعات جغرافیایی و سیستم اطلاعات کاربرد زمین. همزمان با تحول تحلیل مناسبت، فناوری کامپیوتر نیز نقش تعین کننده ای در عملیات و فرایند برنامه ریزی پیدا کرد. در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه هفتاد میلادی در کانادا نرم افزاری به نام سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) طراحی شد که گام بلندی در برنامه ریزی محسوب می شد و قابلیت های بسیاری را در تحلیل مناسبت های محیطی به اثبات رساند.

۲-۳- مبانی تحلیل مناسبت محیطی

تحلیل مناسبت محیطی، طرح و ارزیابی مناسبت نسبی و ذاتی هر مکان در برنامه ریزی فضایی برای انواع گوناگون گسترش شهری و فعالیت های شهری با توجه به ویژگی های محیطی موجود در آن است. در تعریفی دیگر تحلیل مناسبت محیطی تلاشی به منظور تشخیص درجهات و طبقات گوناگون مناسبت نسبی و ذاتی هر مکان به شمار می رود.

تحلیل مناسبت محیطی پیش از ادامه هر گونه گسترش فضایی اهمیت می یابد، چرا که جنبه های گوناگون محیطی (انسان ساخت و طبیعی) را به مفهوم استقرار کاربردهای مناسب مورد ارزیابی قرار می دهد. بدین ترتیب در جامع ترین کاربرد زمین دانست.

روش تحلیل مناسبت محیطی دارای اصول و مبانی پایه ای است که در اجرا و کاربرد آن باید این اصول را مدنظر قرار داد:

- توزیع نابرابر عوامل محیطی بر پهنه زمین، هر محدوده را مناسب یک یا چند کاربرد اراضی نشان می دهد. از این رو با مطالعه توزیع عوامل و ارزیابی آنها مناسبت هر کاربرد برای پهنه های زمین تعیین می گردد.

- واحد های اکوسیستم می بایست به عنوان واحد های پایه برنامه ریزی شناخته شوند.

- شناخت فرایندهای طبیعی بر اساس سلسه مراتب رتبه ای آنها از کل به جزء.

- تعیین نواحی خاص زمین و جوامع اکولوژی مهم تر برای اجرای این فرایند و مکان یابی آنها بر روی زمین.

- تنظیم اهداف کلان محیطی برای هر اکوسیستم.

- تأکید بر روی ارتباطات درونی و وابستگی های درونی سیستم های بیولوژیکی و فیزیکی در ناحیه برنامه ریزی.

تفکر تحلیل مناسبتی محیط دارای اهداف کلانی است که از طریق عملکردهای ویژه روش های تحلیل مناسبت محیطی عملی می شوند. این اهداف و عملکردها عبارت اند از:

الف- اهداف کلان: حفاظت از محیط طبیعی و پایداری فرایندهای طبیعی.

ب- عملکردها:

- حفاظت از امنیت سکونت انسان ها.

- هدایت گسترش فضایی سکونتگاه های انسانی به نواحی ای که مناسبت بیشتری با محیط دارند.

- تشخیص تقاضات های مناسبت‌ذاتی مکان‌ها برای گسترش فعالیت‌های شهری.
- تعیین مناسبت نسبی هر ناحیه در سند برنامه‌ریزی برای انواع گسترش‌های شهری.
- شناسایی نواحی حساس محیطی (طبیعی و انسان ساخت).
- جداسازی درجات متفاوت مناسب زمین برای گسترش فضایی.
- انتخاب نواحی برای اختصاص کاربردی ویژه و یا انتخاب چند کاربری برای یک مکان و ناحیه خاص.

۳-۳ روش‌های تحلیل مناسبت محیطی

روش‌های تحلیل مناسبت محیطی را می‌توان به دو گونه بیان کرد؛ یکی بر اساس مقیاس تحلیل و دوم بر حسب ویژگی‌های محیطی که به ترتیب زیر معرفی می‌شوند (Fabos, ۱۹۸۰):

الف- روش‌های تحلیل مناسبت محیطی بر اساس مقیاس روش‌های مبتنی بر مقیاس در سه زمینه که حاکی از محوری بودن شناخت مناسبت هر کاربرد در مکان‌های متفاوت است، معرفی می‌شوند که عبارت اند از:

- تحلیل مناسبت برای کاربردهای خاص در مکان‌های معین.

- تحلیل مناسبت محیطی برای کاربردهای معین.

- تحلیل مناسبت محیطی جامع برای همه جانبه‌های گوناگون توسعه.

ب- روش‌های تحلیل مناسبت محیطی بر اساس ویژگی‌های محیطی روش‌های مبنی بر ویژگی‌های محیطی در سه زمینه متفاوت ولی مرتبط به هم به شرح زیر طبقه بندی می‌شوند:

- تحلیل مناسبت محیطی بر اساس ویژگی‌های طبیعی.

- تحلیل مناسبت محیطی بر اساس ویژگی‌های اقلیمی.

- تحلیل مناسبت محیطی بر اساس ویژگی‌های بصری.

۴-۳ فرایند تحلیل مناسبت محیطی

فرایند عمومی تحلیل مناسبت محیطی دارای سه مرحله اصلی است که عبارت اند از: (نمودار شماره یک)

مرحله‌اول- مرحله پایه یا توصیف اطلاعات پایه که از طریق تعیین شناسایی عواملی که به عنوان معیار تحلیل مناسبت محیطی به کار می‌روند، انجام می‌گیرد. برای نمایش ویژگی‌های گوناگون هر معیار از نقشه استفاده می‌شود. اطلاعات پایه در این مرحله به نوع و هدف تحلیل مناسبت محیطی بستگی دارد.

مرحله‌دوم- مرحله تفسیر اطلاعات پایه است که معيارهای تحلیل مناسبت محیطی چه به صورت مجزا و چه به صورت ترکیبی مورد تفسیر قرار می‌گیرند. هدف این مرحله دو گانه است: از یک سو به بررسی تأثیر پذیده محیطی طبیعی بر کاربرد انسان از محیط می‌پردازد و از سوی دیگر تأثیر فعالیت‌های انسانی بر محیط طبیعی را بررسی می‌کند. اطلاعات پایه به منظور جداسازی مکان‌هایی (نواحی) که به علت آسیب‌های محیطی شرایط بحرانی دارند از نواحی ای که با وجود حساسیت محیطی تحت پوشش مقررات برنامه‌ریزی می‌توانند توسعه را متحمل شوند، مورد تفسیر قرار می‌گیرند.

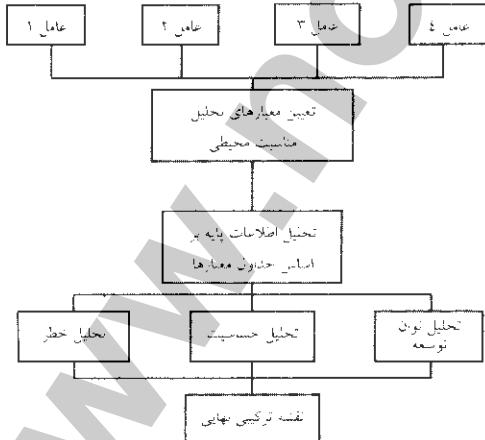
از این رو، مرحله نیز مستلزم تحلیل در سه زمینه است:

الف- تحلیل خطوط که شانده‌نده نواحی ای است که در معرض انواع خطرهای طبیعی و انسانی قرار دارد، از ترکیب نقشه‌های پایه مربوط به ویژگی‌های خاک، آب، زلزله، سیل و اقلیم به دست می‌ایدو معرف نواحی بحرانی است.

ب- تفسیر حفاظت محیطی که شانکر نواحی با ارزش محیطی و تاریخی است و به طور کلی نواحی حساس محیطی را به نمایش در می‌آورد.

ج- تفسیر توان توسعه بخش‌های گوناگون هر ناحیه که پس از جداسازی دو دسته نواحی یاد شده معرف نواحی با حساسیت کمتر محیطی در قبال گسترش فضایی است و خود به درجات مختلف مناسبت محیطی طبیعی بندی می‌شود.

بدین ترتیب حاصل تفسیر توان توسعه، مبنای مرحله سوم با مرحله نهایی فرایند تحلیل مناسبت محیطی را تشکیل می‌دهد. در واقع حاصل از سه زمینه تحلیل مذکور، ابزاری پایه در تدوین و خط مشی‌های بدیل در برنامه‌ریزی گسترش هر ناحیه به شمار می‌آیند.



مرحله سوم- مرحله پایانی یا مرحله پردازش و به کارگیری معیارهای تحلیلی مناسبت محیطی در ناحیه مورد برنامه ریزی است. معیارهای تعیین شده، به طور مستقیم از مرحله پایه و یا پس از ترکیب و تحلیل در مرحله دوم، در این مرحله به کار خواهد رفت.

در این مرحله از طریق ترکیب اطلاعات و نقشه‌های تحلیلی و ماتریس نهایی می‌توان اجزای ناحیه مورد تحلیل را بر حسب انواع فعالیت‌های انسانی و ساختارهای فضایی مربوط به آن تعیین کرد. چنین تحلیلی برایه این اصل قرار دارد که هر گاه تمامی معیارهای مناسبت محیطی برای گسترش فضایی بر هم منطبق شوند، ناحیه به دست دارای بالاترین مناسبت گسترش و توسعه در مقایسه با سایر نواحی است که در درجات پایین تر و یا توان کمتر قرار دارد. تفاوت مناسبت محیطی، معیارهای گوناگون برایندی تحلیلی را سبب می‌شود. بنابراین، تحلیل ترکیبی ای که می‌توان آن را بدیده نهایی تحلیل به شمار آورد، عموماً درجه‌بندی چهارگانه‌ای را به دست می‌دهد که هریک برمبنای ویژگی‌های متفاوت خود مول عرصه تصمیم‌گیری مجزایی است (Duglas, 1983).

این چهار درجه عبارت اند از:

۱- نواحی مناسب گسترش فضایی (از طریق ایجاد نقاط زیستی جدید یا گسترش فضاهای موجود).

۲- نواحی کمتر مناسب برای گسترش فضایی، این نواحی در مناسبت پایین تر نسبت به دسته اول قرار دارند و از سوی نیز امکان رفع محدودیت‌های گسترش فضایی نیز در آنها وجود دارد.

۳- نواحی نامناسب گسترش فضایی، این نواحی بالاترین میزان محدودیت‌ها و قیود توسعه را دارا هستند.

۴- نواحی حفاظتی، این نواحی یا در شرایط کنونی در معرض نابودی و آسیب قرار دارند یا امکان بیشترین آسیب و نابودی را در آینده را دارند.

محصول نهایی فرایند تحلیل مناسبت محیطی دوگانه است، بدین معنا که علاوه بر تفکیک و تشخیص زیر نواحی که بر حسب درجات گوناگون مناسبت گسترش فضایی تمایز داده‌اند، ساختارهای برپا شده موجود در نواحی برنامه ریزی هم بر اساس میزان قرارگیری در معرض انواع خطرهای طبیعی و انسان ساخت نیز مورد سنجش و تحلیل قرار می‌گیرد. برنامه ریزی محیطی در تعریفی کلی، برنامه ریزی برای هدایت سیستم مورد برنامه ریزی به سمت و سویی است که در فرایند توسعه فضایی کمترین آسیب و فشار را بر محیط وارد آورد. با این تعریف فرایند برنامه ریزی محیطی به سه مرحله وابسته به هم و پی درپی تقسیم می‌شود. این سه مرحله تحت پوشش چهار عامل قرار می‌گیرد که شامل متابع با ارزش ویژه (۱۸)، مخاطرات (۱۹) (طبیعی و انسانی)، تحلیل مناسبت توسعه (۲۰) و ثبات اکولوژی (۲۱) است. هریک از این چهار عامل در فرایند برنامه ریزی محیطی به عنوان یک ورودی عمل می‌کند (Fabos, 1980).

تحلیل مناسبت محیطی بخش مهمی از فرایند برنامه ریزی محیطی است و به عنوان داده مهم تحلیلی در ارزیابی و اجرای کارآمدتر آن به کار می‌رود.

۵-۳- جایگاه تحلیل مناسبت محیطی در برنامه ریزی فضایی اراضی

برنامه ریزی کاربرد اراضی جزئی از مرحله چهارم فرایند برنامه ریزی فضایی است که مرتبط با تصمیم‌گیری در مردم در اولویت‌های فضایی در محیط مورد برنامه ریزی است. در واقع بخشی از این مرحله، ارائه داده‌های ورودی مراحل پنجم و ششم برنامه ریزی فضایی است.

به طور اجمالی هفت مرحله فرایند برنامه ریزی کاربرد اراضی در سطح شهر و منطقه شهری عبارت اند از:

۱- فرمول بندی نیازهای مکانی.

۲- نیازهای فضایی.

۳- تحلیل مناسبت.

۴- برنامه مقدماتی آمایشی الگوهای توسعه.

۵- تعیین ظرفیت تصرف.

۶- الگوهای آمایشی برای برنامه ریزی کاربرد اراضی.

۷- برنامه کاربرد اراضی- ترکیب دوباره مراحل پیشین و انتباق برنامه با دیگر مراحل فرایند.

تحلیل مناسبت که مرحله سوم فرایند برنامه ریزی کاربرد اراضی است، آن دسته از نقشه‌های مناسبت را در بر می‌گیرد که بر اساس شرایط محیطی، مراکز فعالیت، سیستمهای زیرساختی و نواحی خدماتی آنهاست. ورودی این مرحله از مرحله اول است که بر اساس خصوصیات وضع موجود، استانداردهای توسعه و خطوط راهنمای صورت می‌گیرد. نقشه‌های مناسبت در تعیین ظرفیت تصرف اراضی به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب تحلیل مناسبت محیطی از سویی در مرحله تحلیل

محیطی(مکانی) و برای پاسخگویی به بخش نیازهای مکانی اراضی است و از سوی دیگر در بخش عرضه مکان‌ها قرار می‌گیرد.

داده‌هایی که عرضه زمین را تبیین می‌کنند، عبارت‌اند از خاک، شیب، دشت سیلابی و سایر داده‌های مرتبط با عوارض طبیعی، قابلیت دسترسی به امکانات موجود و زیرساخت‌هایی نظیر فاضلاب‌ها، مجراهای ارتباطی (حمل و نقل) و داده‌های دیگر نظیر ارزش زمین.

در اینجا مناسبت نسبی و ذاتی نواحی با توجه به اصول مکان‌بایی برای کاربردهای مختلف زمین به تصویر کشیده می‌شود. نقشه‌های نهایی نشان‌دهنده رتبه‌های مناسبت هر واحد از زمین است که در استان برنامه‌ریزی برای هر بخش از کاربردهای زمین در برنامه کاربرد اراضی اختصاص داده می‌شود.

می‌توان نشان داد که در هر نقشه مناسبت بر اساس معیاری مانند خطر سیل با توجه به هزینه توسعه، نقشه‌های رتبه‌بندی شده با یکدیگر ترکیب می‌شوند و یک نقشه تلفیقی کاربرد زمین را که در آن عوامل گوناگون مناسبت و دامنه کلی کاربردهای زمین را پوشش می‌دهد، به وجود می‌آورند. به این ترتیب محصول نهایی تحلیل مناسبت محیطی را نمی‌توان برنامه کاربرد زمین دانست بلکه فقط داده ورودی برای برنامه‌ریزی کاربرد زمین به شمار می‌رود(رحیمیون، ۱۳۷۷).

۳-۶ - راهبردهای تحلیل مناسبت محیطی

برای مسائل محیطی پنج نوع راهبرد وجود دارد که بسته به شرایط، گاه منطبق و گاه مداخل نسبت به هم اتخاذ می‌شوند. این راهبردها عبارت‌اند از:

الف- راهبردهای نگهداری [۱۲]: در راهبردهای نگهداری سعی بر حفظ شرایط موجود بخشی از زمین است و اجازه هیچ گونه استفاده مستقیم انسانی نمی‌شود؛ اگرچه ممکن است این زمین منافعی غیرمستقیم ایجاد جامعه گردد.

ب- راهبرد حفاظت [۱۳]: راهبرد حفاظت به معنی استفاده انسانی محدود در حیطه رهنماهای معین است که برای حفظ ارزشمندترین ویژگی‌های ناچیه حفاظت شده تدوین گردیده است.

ج- راهبردهای توسعه: راهبرد توسعه به طور کلی تبدیل چشم انداز روتاستی به چشم انداز کلان شهری است که در برگیرنده همه کاربردهای صنعتی، بازرگانی، مسکونی، حمل و نقل و جهانگردی است.

د- راهبردهای احیاگرانه [۱۴]: نقطه مقابل توسعه و اهداف آن است و در واقع به معنی احیا و بازسازی یامدهای توسعه است که به نحوی محیط را از تعادل خارج ساخته است.

ه- راهبرد مدیریتی: این نوع راهبرد هدایت و راهبری تصمیمات مربوط به راهبردهای پیشین است.

۷-۳ - رویکردهای تحلیل مناسبت محیطی

رویکردهای تحلیل مناسبت محیطی به منظور ارائه ترکیب‌های متفاوتی از تحلیل‌های محیطی و ارزیابی‌های چشم اندازهای موجود تهیه شده‌اند. این رویکردها برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران را قادر می‌سازند تا نوع اطلاعات محیطی لازم برای اتخاذ تصمیمات و ارائه راهبردهای مناسب استفاده از زمین و تصمیمات مدیریتی را در اختیار داشته باشند. سه رویکرد عمده در خصوص تحلیل مناسبت محیطی عبارت‌اند از:

الف- رویکرد چشم انداز [۱۵]:

این رویکرد به معنی گردآوری انواع داده‌های مربوط به منابع زیست محیطی- ارزقیل شکل زمین، خاکها و پوشش گیاهی است. هنگامیکه این اطلاعات ترکیب می‌شوند، می‌توان نواحی همگن محیطی را برای تصمیمات برنامه‌ریزی مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین برنامه‌ریزان با تحلیل و ارزیابی این نواحی همگن می‌توانند مناسب‌ترین کاربرد هریک از نواحی را به طور کلی و محدود مشخص کنند. این رویکرد به دلیل تحلیل کلی و غیر کمی، اغلب برای تصمیم‌گیری‌های کلان مناسب است و احتمالات خطیری را که دارای اهمیت پیشتری است، با وزن یکسان مشخص می‌کند.

ب- رویکرد پارامتریک [۱۶]:

مهم‌ترین تحول فکری توان با به کارگیری پدیده کامپیوتر، ارزشگذاری واحدهای زمین به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و قائل شدن اهمیت نسبی برای هریک از این ویژگی‌های دار ترکیب با یکدیگر بوده است. در واقع این رویکرد برخلاف رویکرد چشم انداز نگاهی بر این ویژگی‌ها ندارد. این رویکرد تعریف روش تری از زمین را ارائه می‌کند و از کلی گرایی رویکرد چشم انداز دوری می‌گزیند. از آنجا که این رویکرد کمی است، امکان مقایسه‌هایی را که در محدوده برنامه‌های ارزیابی زمین کارایی پیشتری دارند، فراهم می‌آورد.

این رویکرد به لحاظ توانایی اش در ترکیب ارزش‌ها و اهمیت نسبی ویژگی‌های زمین شرایط سنجش ارزش‌های چشم

اندازه‌های گوناگون و متفاوت را به طور جداگانه ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که بتوان قیاس‌هایی بین نتایج این سنجش‌های متفاوت انجام داد. رویکرد پارامتریک علاوه بر ارزیابی ارزش‌های خاص مربوط به نواحی حساس، در تحلیل و ارزیابی زیان‌های مرتبط با خطوط‌های محیطی (طبیعی و انسان‌ساخت) و مناسبت عملیات عمرانی توأم‌یابی بالای دارد (Fobos, 1980).

نرم‌افزارهای رایانه‌ای گوناگون مانند سیستم اطلاعات جغرافیایی، سیستم اطلاعات کاربرد زمین برای کامپیوترهای بزرگ، روش‌ها? if Urbanism, what if Allot. با دیدی پارامتریک تجزیه و تحلیل مناسب محیطی را به انجام می‌رسانند.

ج- رویکرد تحلیل استانه:

رویکرد تحلیل استانه بر اساس این مشاهده ساده تدوین شده است که شهرها هنگام گسترش فضایی شان با محدودیت‌های فیزیکی ناشی از ویژگی‌های محیط طبیعی و انسان‌ساخت روبرو می‌شوند. این رویکردد روبرویی با این محدودیت‌ها به تعیین مرازهای نهایی امکان تعیین محل، سطح، کیفیت و نرخ توسعه هر فعالیت مشخص می‌برد. رویکرد تحلیل استانه به طور کلی در پاسخ به سوالات اساسی زیر شکل گرفته است: مکانیسم گسترش فضایی چیست؟ آیا سکونت بایستی به صورت پیوسته صورت گیرد یا نایوسته؟ و آیا می‌توان عواملی را تعیین کرد که باعث می‌شود برنامه‌ریزی گسترش‌های بعدی را بیشینی کند.

در این مفهوم چهار اصل مقدماتی نهفته است که عبارت اند از:

اول - فعالیت‌های خاص باید در مکان‌هایی شکل گیرد که منابع مورد نیاز وجود داشته باشد و تأثیرات منفی کمتری بر حساسیت محیط زیست می‌گذارد.

دوم- تعیین حجم توسعه فعالیت‌ها تا جایی که توان زیست محیطی مکان اجازه دهد.

سوم- تعیین کیفیت فعالیت‌ها در مکان به گونه‌ای که کمترین تأثیرات منفی را با توجه به ویژگی‌های مکان داشته باشد.

چهارم- آهنگ انجام فعالیت‌ها یا دوره‌های زمانی انجام انها باید با ریتم فعالیت‌های طبیعی متناسب باشد.

رویکرد تحلیل استانه به عنوان نوعی محدودیت به استانه حساسیت منابع و مکان‌ها بر مبنای فعالیت‌ها و کاربردهای خاص توجه می‌کند. در این رویکرد و محدودیت‌ها و عواقب توسعه با شناخت روابط متقابل فعالیت‌های اقتصادی گوناگون تعیین می‌شوند. استانه ممکن است به عنوان محدودیتی در گسترش فضایی تلقی گردد، به گونه‌ای که نشان دهد گسترش بعدی را نمی‌توان با هزینه‌های قبلی ساخت (Kozlowsky, 1986).

۸-۳. جمع‌بندی

برای این تحلیلی این بخش را در دو زمینه می‌توان جمع‌بندی کرد:

زمینه‌اول- نتیجه‌گیری از شناخت مفاهیم و روش‌های تحلیل مناسب محیطی که بیانگر موارد زیر است:

- تحلیل مناسب محیطی به عنوان نوعی تفکر ریشه در تاریخ حیات انسان دارد.
- تحلیل مناسب محیطی توأم با پیشرفت فن‌شناختی حرکت کرده و با شرایط و درجات توسعه همگام شده است.
- تحلیل مناسب محیطی، زمینه تحقق اهداف توسعه پایدار را به خوبی فراهم می‌آورد.
- روش‌های تحلیل مناسب محیطی بر حسب اهداف برنامه‌ریزی منعطف است.

- تحلیل مناسب محیطی می‌تواند هدایت گسترش فضایی شهرهای بزرگ را در چارچوب برنامه‌ریزی محیطی و فضایی و به بیرونی از آن برنامه‌ریزی کاربرد اراضی به خوبی عملی سازد.

- محصول نهایی تحلیل مناسب را نمی‌توان نوعی برنامه کاربرد زمین دانست بلکه فقط به عنوان داده‌های ورودی برای برنامه‌ریزی کاربرد زمین به شمار می‌رود.

زمینه‌دوم- نتیجه‌گیری از مرور تجربیات تفکر تحلیل مناسب محیطی که موارد زیر را شامل می‌شود:

- تجربیات جهانی نشان داده است که به کارگیری تحلیل مناسب محیطی می‌تواند به هدایت گسترش فضایی به

صورت بینه در فالب رویکرد و شد هوشمندانه منظر شود.

- رزیابی توان اکونوژنک می‌باشد در تمامی سرزمین کشور انجام شود.

- تجزییات اندک در ایران شان داده است که در صورت به کارگیری تحلیل مناسب محیطی، نتایج سودمندی حاصل می‌گردد.

۴- کاربرد رویکرد در هدایت گسترش فضایی کلان شهر تهران

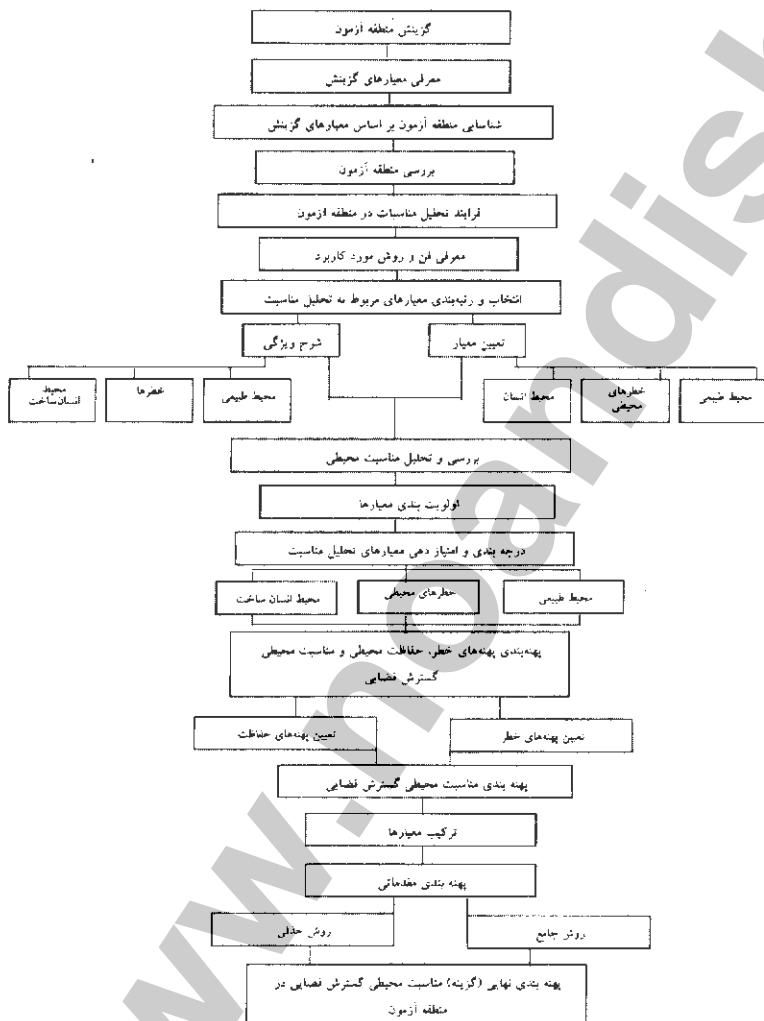
در این بخش با هدف به کارگیری رویکرد تحلیل مناسب محیطی در هدایت گسترش فضایی کلان شهر تهران نخست گونه‌شناسی گسترش فضایی این شهر سپس فراهم کاربرد رویکرد مورد نظر از آن می‌گردد.

۴-۱- گسترش فضایی کلان شهر تهران

شهر تهران در فرانز گسترش فضایی / کالبدی خود از سال ۱۲۷۰ تا سال ۱۳۷۵ برابر وسیع نر شده است (میانی ۰، ۱۳۷۷، ۱۹) روند فراینده گسترش ابعاد فضایی شهر تهران در هر دوره تحت تأثیر نیروهای درونی و بیرونی گوناگون به میزان خاصی بوده است. به طور کلی با هدف شناخت ذات گسترش فضایی کلان شهر تهران و زیبایی آن در سال‌های آتی، فراینده گسترش فضایی شهر تهران بررسی و شناسایی شده، که در جدول شماره‌یک آمده است.

گسترش فضایی شهر نیز این پامدها و مشکلات مختلفی را به شرح زیر در بی داشته است.

نمودار شماره‌دو - فراینده تحلیل مناسب محیطی در منطقه ازمن



پامدها و مشکلات محیطی:

- نخریب اراضی کشاورزی به ویژه در بخش جنوبی؛
- آسودگی‌های ریست محیطی در نواحی درونی و بیرونی؛
- تبدیل لکوهای کشت (۲۱٪)؛
- بحران آب؛
- ساخت و ساز در نواحی در معرض مخاطرات محیطی در تمامی نواحی اطراف به ویژه بخش جنوبی؛ و
- دگرگون جسماندارهای محیطی با ارزش.

پامدها و مشکلات فضایی:

- نخریب محله‌های با ارزش قدیمی؛
- نارسانی حمل و نقل عمومی؛
- نارسانی خدمات و تجهیزات شهری؛
- کسترش بی‌ویه و بدون برنامه حومه‌های برآکنده در امتداد محورهای ارتباطی؛

- کسترش در نواحی بدون زیرساخت؛
- مسکن ناهنجار و حاشیه‌نشینی؛
- همچوواری‌های ناسازگار؛
- تبدیل عملکرد روستا به شهر در نواحی روستایی پیرامون شهر تهران؛ و

- پیوستگی بافت‌های نامنسجم شهری و روستایی به ویژه در جنوب شهر نیز.

پامدها و مشکلات اجتماعی - اقتصادی:

- پیوستگی راندن اقتصار کم در آمد شهری از شهر تهران و اسکان اینها در نواحی پیرامون شهر تهران؛

- مهاجرت‌های روستایی؛

- پیداگاه اولنک‌نشینی؛

- نفوذگذشتگی بافت اجتماعی شهر به شمال و جنوب؛

- افزایش قیمت زمین و ساختمان؛ و
 - نایابداری جمعیتی، پراکنش نااموزون و جمعیت پنهان [۲۲].
- در یک جمع‌بندی کلی، برای‌بند تحلیل فرایند گسترش فضایی شهر تهران در سه بخش زیر خلاصه می‌شود.

لله- گسترش فضایی وسعت شهر تهران در طول دوره ۱۰۸ ساله مورد بررسی، به ۲۵ برابر و رشد جمعیت نیز به حدود ۳۳ برابر ابتدای دوره رسیده است. از سوی دیگر روند افزایشی دشده جمعیت و گسترش فضایی می‌کاهنده داشته است که ناشی از تغییر رویکردهای مرتبط با گسترش فضایی شهر تهران بوده است. این فرایند حاکی از کاهش گسترش بیوسته و رشد جمعیت در درون محدوده شهر و رانش کانون‌های فعالیت و سکونت به بیرون از محدوده خواهد بود.

دو- آنچه که از بررسی عوامل مؤثر بر گسترش فضایی شهر تهران برمی‌آید غلیظه سیاست‌گذاری‌های نظام تصمیم‌گیری بر سایر عوامل بوده است، به گونه‌ای از کاهش گسترش فضایی به شدت و ضعفی معین رسیده است. روند تأثیر عوامل، مشکلات عدیده‌ای را در نواحی پیرامونی ایجاد کرده است.

سه- با توجه به غلبه نیروهای کربیز از مرکز و به تبع آن رانش فعالیت و سکونت به سمت نواحی پیرامونی شهر، گسترش پراکنده و پراکنده‌رویی شکل غالب گسترش فضایی خواهد بود. با هجوم امواج فضایی گسترش- پراکنده‌رویی- نواحی پیرامونی شهر تهران متهم فشار بالایی بر محیط طبیعی خود می‌شوند.



نقشه شماره بیک: گسترش شهر تهران بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۲۰

که در هر دوره با توجه به نوع تصمیم‌گیری، گسترش فضایی به شدت و ضعفی معین رسیده است. روند تأثیر عوامل، سبب کاهش گسترش در محدوده خدماتی و افزایش گسترش در خارج از مرازهای قانونی شده است که پیامدها و مشکلات عدیده‌ای را در نواحی پیرامونی ایجاد کرده است.

۴-۲- کاربرتپوش

در این بخش با توجه به زمینه‌های زیر، منطقه‌آزمون انتخاب شده است:

- الف: بررسی‌های به عمل آمده، نشان می‌دهد که، منطقه جنوبی در بکریندۀ استقرار فعالیت‌های گوناگون صنعتی و اقتصادی، عبور محورهای مهم ملی کانون‌های مهم جمعیتی و شرایط طبیعی مطلوب‌تر در منطقه شهری تهران است، و در عین حال این محدوده پیشترین نقش را در گسترش فضایی شهر تهران ایفا می‌کند.
- ب: منطقه آزمون باستی دارای ویژگی‌های مناسب‌های محیطی در قبال گسترش فضایی باشد. اراضی کشاورزی بسیار مناسب و باقابلیت بالایی کشت، گسترش‌های کالبدی موجود در نواحی پرخطر سیل، زلزله و ناساز کاریهای هم‌جواری انواع کاربردهای فعالیت انسانی در بخش جنوبی سیاست‌سازی از معضلات زیست محیطی شده که هویت نواحی پیرامونی شهر را مخدوش ساخته است.

بدین ترتیب با توجه به تقابل معیارهای یاد شده، بخش جنوبی پیرامون شهر تهران به عنوان منطقه پیرامونی آزمون انتخاب شده است که به لحاظ اداری بخش‌هایی از ۱۰ دهستان وابسته به شهرستان‌های شهریار، اسلام‌شهر و ری را در بر می‌گیرد. این محدوده به لحاظ طبیعی حد فاصل ناحیه دشت و ناجیه کویری مجموعه شهری تهران است؛ یعنی محدوده‌ای که به تدریج از مناسب‌های طبیعی آن برای سکونت کاسته می‌شود.

با توجه به ویژگی‌های مربوط به شبکه شهری، این گستره در مجاورت بزرگ‌ترین شهرهای منطقه یعنی تهران، کرج، اسلام‌شهر، شهریار، قرجک و ورامین قرار دارد و درواقع درون این نقاط شهری محاصره شده است (نقشه‌های شماره یک و دو).

فرایند تحلیل مناسب محدودی در منطقه

آزمون شامل مراحل اصلی است که به شرح

نمودار شماره دو انجام و اجرایی شده است.

انتخاب و بررسی معیار تحلیل مناسب

محیطی نیز، در دو زمینه انجام می‌شود:

- زمینه‌اول:

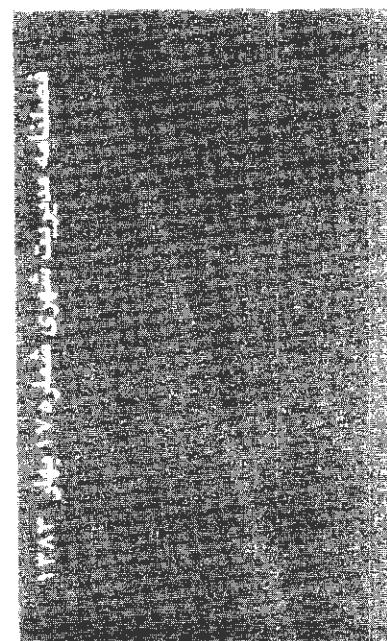
تعیین و تشخیص داده‌های کاربری سازکار با



نقشه شماره دو: موقعیت محدوده مطالعاتی در مجموعه شهری تهران

این‌نوشت:
۱- این پژوهش جدید و بروزرسانی از پیمان‌نامه کارشناسی ارضی
ارشاد نکننده، تخت عنوان: امکان سنجی گسترش فضایی
شهرهایی بزرگ ما روش‌های تحلیل مناسب ساختی، کنفرانس
ملحقی شهر تهران در رشته شهرسازی و شهرسازی
شهری و مهندسی از دانشکده معلمی و شهرسازی دانشکده
شیده بهشتی به راهنمایی دکتر رهبر عبدی پاشنیور نزدی
۲- این‌نوشت: ۱۹۶۰ میلادی

۳- کنفرانس ساخت‌نشانی در سال ۱۹۶۰ میلادی
۴- مدیریت‌سازی کامپیومنتی در سال ۱۹۶۴ تهیه شد.



5 Overlay Method

-برنامه‌ریزی خطی و پیش‌

2. Environmental Suitability Analysis

3. Special Value Resource

4. hazard

10. development Suitability Analysis

II. ecological stability

13. preservation

14. protection

15. reclamation

16. Landscape Approach - این رویکرد افق‌گویی در طبقه‌بندی محیطی است.

17. Parametric Approach

۱۸- مهمترین تدبیری این رویکرد، دو صفات کارزین‌گرایی پیشوند و عمل برنامه‌ریزی حشم اندان محدود توپس کرده تحقیقاتی، تک‌چالوسی‌هایی که گسترش فضایی شهر را ممکن و جایزه می‌سازد، نگریست.

19. Threshold Approach

۲۰- میانی، سید محمد، برنامه‌ریزی افق‌گویی مجموعه‌های مسکونی زیر بندهای شهری، میان‌ملوده، کارشناسی ارشد محیطی شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری و امنیت‌های شهری، دانشکده‌ی علوم شهری و هنرهای اسلامی، ۱۳۷۶

۲۱- از جملات اینکه های مخصوصیت خلکار صریق رفته در نهایی زیرین‌پیش و سطح، اندکی متناسب با این ایهی سطحی و زیردرینی به تلیل دفعه سنتهم و غیر مساقیم هفتم‌لایه‌ان تهران در اراضی اوردهایی بست جنوب تهران و روی سرمه‌لایه و گزینش بیزاره‌ای بدلیل الام اسرار شاهزاده‌ی زینی به ورود اینها به شهر تهران است.

۲۲- تبدیل گلستان‌تسبیح کوچک (Kotesh-e-Taraz) (Kotesh-e-Taraz)، تبدیل از غله به محصولات مواد توجیه‌الزائر.

شامل سریجات کوچک، فروخت و محصولات جایزین،

۲۳- تبدیل ایجاد جمعیت، پیلند ایجادهای اخراجی است، برای این دل

مشکل بر مقاطعه مخلک زمانی محدوده‌های حفظ حفظ در توپخان پیدا و این می‌شود، برای اکتشاف جمعیت، برایه سایرندگان پیدا کنی که شهروندی های معلق ناموزن و جراحت است، اینجا جمعیت پنهان نیز شامل بوده‌اند همچنانه است، تبدیل برای این اهداف دلیل اسکان غیر رسمی خواسته شده است.

منابع

- ۱- حق، محمد رضا، امکان سنجی گسترش فضایی شهرهای بزرگ با روش‌های تحلیل مناسب محیطی، کارشناسی ارشد شهروسانی اشتاد راهنمای زرده دانشپور، دانشکده‌ی پیش‌بینی، ۱۳۷۶
- ۲- سعید، نیما احمد، ابتکان سازمان تهران، فصلنامه محواری و شهرسازی شمله، نامه ۱۴، ۱۳۷۷
- ۳- پسند، نیما و نوروز بروار: تهران، تراجم الشرف، على امشلات، انتشارهای، ۱۳۷۷
- ۴- پشت، چهل، پایرس میتسیون شلوره طرح‌چاهی کالبدی نقاط جمعیتی واقع در حیرم استهبانی جنوب تهران در حال، برنامه‌ریزی راهبردی، جلد سوم شهرداری تهران، ۱۳۷۶

5. Fabous, Inhas, Planning the Total Use - Landscape, 1980

6. Douglasian - Urban Environment - 1983

۷- رحیمیان، علی، دسخ: تحلیل مناسب مکانی ارزشی با استفاده از راهبردهای منتج از تحلیل مناسب فضا برای هدایت جریان گسترش فضایی، در فضاهایی که بیامدهای منطقی دارند و شرایط زیست محیطی مناسب‌تری را برای انسان ارائه می‌کنند، از زمینه‌های اساسی توسعه پایدار را فراهم می‌آورد . بدین ترتیب انجام این کارها پیشنهاد می‌شود:

کلان شهری تهران در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت کلان شهری تهران در مراحل تحلیل مناسب‌های محیطی در نظام تصمیم‌سازی مدیریت

دو- ایجاد جایگاه قانونی برای موضوعاتی چون نواحی پیرامونی بالاصل شهر تهران و محیط زیست شهری در نظام مدیریتی شهر تهران به منظور تضمین پایداری شهر و منطقه کلان شهری تهران.

رویکرد مناسب محیطی می‌تواند به عنوان ابزار پیش‌بینان، کیفیت تصمیمات مرتبه با گسترش فضایی کلان شهرها را ارتقا بخشیده و در این صورت می‌توان به پایداری محیطی منطقه کلان شهری امیدوار بود.



نقشه شماره سه: پهنه‌بندی بنایی مناسب گسترش فضایی

با تعیین و تحلیل معیارهای گوناگون محیطی، پهنه‌های مناسب برای گسترش فضایی شهر تعیین شده و این پهنه‌ها، مناطقی هستند که گسترش‌های کنونی و آتی، بیامدهای منطقی از محیط اکولوژی منطقه خواهند گذاشت.

- زمینه‌دوم:

تصویف و تشریح ویژگی‌های معیارهای تعیین شده در تحلیل مناسب‌تر محیطی منطقه که تشریح ویژگی معیار نامیده می‌شود. بررسی معیارهای تحلیل مناسب محیطی با توجه به محیط طبیعی، خطرهای ناشی از محیط طبیعی و انسان ساخت انجام می‌شود. معیارهایی مانند؛ آب و هوا، خاک، آب، توبوگرافی، یوشنی گیاهی؛ زمین‌شناسی، سوانح طبیعی، همچوواری، میزان دسترسی از آن جمله‌اند.

پهنه‌بندی مناسب محیطی گسترش فضایی در منطقه آزمون پهنه‌بندی منطقه آزمون در جهار شکل راهبردی معروف شده است که در اینجا مرور خواهد شد(نقشه شماره ۳):

اول- پهنه‌های مناسب گسترش فضایی:

دوم- پهنه‌های مناسب گسترش فضایی؛

چهارم- پهنه‌های حفاظت‌شده.

به دلیل اینکه هر یک از پهنه‌های راهبردی به دست آمده، در برداشته ویژگی‌های متفاوتی است و در نتیجه نمی‌توان در مورد مناسبت هر یک از پهنه‌های برای گسترش فضایی در یکی از اشکال چهارگانه مذکور قضاوت روشی کرد، ویژگی‌های هر پهنه در بخش‌های گوناگون بر حسب درجه مناسب برای گسترش فضایی می‌تواند زمینه‌ساز تصمیمات مدیریتی شفاف‌تری باشد.

5. ارانه راهبرد

کلان شهرها و به ویژه شهر تهران تحت تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی گوناگون- برنامه‌ریزی شده و پایا خودرو- به گسترش‌های فضایی خود با قالبی متفاوت از گذشته و به شکل ناییوسته(گسترش جومهای ادامه می‌دهند. در این عرصه استفاده از راهبردهای منتج از تحلیل مناسب فضا برای هدایت جریان گسترش فضایی، در فضاهایی که بیامدهای منطقی کمتری دارند و شرایط زیست محیطی مناسب‌تری را برای انسان ارائه می‌کنند، از زمینه‌های اساسی توسعه پایدار را فراهم می‌آورد . بدین ترتیب انجام این کارها پیشنهاد می‌شود:

کلان شهری تهران در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت ایجاد جایگاه قانونی برای موضوعاتی چون نواحی پیرامونی بالاصل شهر تهران و محیط زیست شهری در نظام

مدیریتی شهر تهران به منظور تضمین پایداری شهر و منطقه کلان شهری تهران.

رویکرد مناسب محیطی می‌تواند به عنوان ابزار پیش‌بینان، کیفیت تصمیمات مرتبه با گسترش فضایی کلان شهرها را ارتقا بخشیده و در این صورت می‌توان به پایداری محیطی منطقه کلان شهری امیدوار بود.